

یک خانواده ایرانی با همه سختی ها و شیرینی های یک خانواده بود که توانست در چند فصل مخاطب را با خود همراه کند. شروع روایت از جایی بود که نقی و خانواده اش تصمیم می گرفتند از علی آباد به تهران کوچ کنند اما پس از ورود به پایتخت با مشکلات زیادی مواجه می شدند. صاحبخانه می مرد و وراث حاضر به تحویل خانه نمی شدند، به این ترتیب در پی مشکلاتی که در تهران برای آنها پیش می آمد مجبور می شدند مدتی را در کامیون ارسطو (احمد مهران فر) زندگی کنند. از سوی دیگر در فصل های بعد روایت زندگی نقی و فهیمه و پیچیدگی آنها به هم، هم حمایت خواهر برادری و هم پشتیبانی یک خانواده از هم را داشت.

❖ خانواده بودن به شیوه آشپزباشی

روایت اصلی آشپزباشی، قصه زوجی به نام اکبر عالی مقام و مینو خیرخواه بود که صاحب رستورانی در تهران بودند و با یک اختلاف ساده، تصمیم گرفتند راه شان را از هم جدا کنند. این دو، چهار فرزند داشتند که تمام تلاش شان را برای بازگرداندن و آشتی پدر و مادر می کردند. حتی یکی شان برای معرفی خواستگار پر و پا قرص به خانواده، با چالش روبه رو بود و تلاش می کند نخ تسبیح پاره شده خانواده را با هر سختی، دوباره گره بزند. سارا، شیرین، سعید و فرهاد، خواهر و برادرانگی های شان را به نمایش گذاشته بودند تا یک تلاش واقعی برای جمع کردن دوباره یک خانواده را نشان دهند.

❖ برادر و مفهوم خواهر برادری

سریال برادر، روایتگر زندگی حاج کاظم پهلوان با بازی حسن پورشیرازی بود که مردی خیر و از تجار سرشناس برنج ایران بود. او که با تأکید بر حمایت از تولید ملی، فقط در زمینه تجارت برنج ایرانی فعالیت می کرد، همراه پسرش مسعود (حسین یاری) و دخترش مریم (سوگل طهماسبی) که یک روزنامه نگار پرچرب و جوش است، بر ضد واردات قاچاق برنج های تاریخ گذشته و مسموم به ایران مبارزه می کرد.

اقدامی که بسیاری را با حاج کاظم دشمن می کرد و باعث شده بود پسر دیگرش، ناصر با بازی پوریا پورسرخ را اغفال کنند و ماجراهای متفاوتی را رقم بزنند. نمایش خواهر و برادرانگی های مسعود و مریم را باید در ادامه نمایش یک ارتباط واقعی میان خواهر و برادر ایرانی دانست که سریال برادر به خوبی از پس آن برآمد.

❖ پدرسالاری برای خواهر و برادرها

سریال پدرسالار با آن خانواده پرجمعیت را یادتان هست؟ خانواده اسدا... خان با دختر و پسرهایی که داشت، درگیر یک اختلاف ساده و یک سلیقه متفاوت می شد تا درگیری میان آذر عروس تازه با اسدا... خان سر باز کند. هرچند روایت اصلی روی این خط کلی بود اما بده بستان های میان خواهر و برادرها یعنی فرزندان اسدا... خان با بازی محمدعلی کشاورز را هم نشان می داد.

قصه اصلی اما متمرکز بر خود اسدا... خان بود که پدری مهربان، خانواده دوست، دلسوز و در عین حال سختگیر و پرصلابت بود. او تلاش می کرد کاری کند تا همه پسرانش پس از ازدواج در خانه او زندگی کنند. اما از آنجا که مهری و زری، دو دخترش زندگی مستقلی با همسرشان داشتند، بهانه ای دست عروس تازه می افتاد تا از فرمان اسدا... خان سرپیچی کند. داستان پدرسالار، روایت یک خانواده با همه فراز و نشیب هایش بود.

او را تهدید می کرد، به دوست برادر خود، طاهر فردوس پناه برد و با تمهیداتی، برادرش را راهی مرز کرده بود. محمد، برادر ستایش در مرز کشته شده و طاهر به زندان می افتد. در نهایت با رضایت خانواده محمد، طاهر از زندان آزاد شد و از آنجا که مجذوب و شیفته ستایش شده بود طاهر با وجود مخالفت خانواده خود و ستایش با او ازدواج کرد و صاحب دو فرزند دختر و پسر شد. از این بخش از روایت، گره خوردن زندگی ستایش با زندگی طاهر و پدر او آغاز می شد. با این حال، شروع روایت ستایش با بیان دل نگرانی های او برای برادرش محمد بود.

❖ کهنه سواری در خانواده

جوانی به نام حسین حسینی پور با بازی حسین ابراهیمی به ورزش کشتی علاقه مند بود. پدر او با بازی محمدعلی کشاورز نیز در سال های گذشته پهلوان و کشتی گیر بود و انگار با دیدن او، یاد روزهایی می افتاد که به دلیل ناجوانمردی ها، قسم می خورد که هرگز اجازه ندهد پسرش به این ورزش روی بیاورد. کهنه سوار به کارگردانی اکبر خواجهوی و محصول سال ۱۳۷۶ بود.

❖ دردسرهای خانواده ها

خانواده پرجمعیت سریال دردسرهای والدین با آن چالش های تازه، بهانه ای بود برای نشان دادن یک خانواده خاص. علی پورحانم با بازی مهران مدیری کارمندی دارای چهار فرزند بود که همسر خود را از دست داده بود.

پس از درگیر شدن یکی از پسرانش با بازی علی صادقی با هم کلاسی خود با بازی سهیل تاکی، با ایران یزدان پناه با بازی فاطمه گودرزی که دست بر قضا، مادر هم کلاسی پسرش بود ازدواج می کرد. این خانم هم خودش سه فرزند داشت و شروع زندگی مشترک آنها آغازی برای چالش های دو خانواده بود. خواهر و برادری این دو خانواده متفاوت و خاص بود.

❖ کیمیای خواهرانگی

سریال کیمیا را باید یکی از متفاوت ترین سریال ها با حال و هوای خواهر و برادری دانست. کیمیا دختری جسور و متفاوت بود که نگران خانواده اش بود و تلاش می کرد قدمی برای حفظ خانواده بردارد. داستان سریال کیمیا با بازی مهراره شریفی نیا نشانگر تأثیر تحولات جامعه بر روابط خانوادگی بود که پدر و دختری را مقابل همدیگر قرار می داد؛ دختر خانواده که نامش کیمیا بود بسیار پرسشگر و معترض و در مقابل ایده های پدرش بود.

سیر حوادثی که در مراحل زندگی خانواده کیمیا اتفاق می افتاد، آنها را درگیر توطئه و دسیسه ای بزرگ و شیطانی می کرد و کیمیا با تلاشی خستگی ناپذیر درصدد نجات خانواده برمی آمد. کیمیا در عین حال نگران برادرهایش کیوان و کامران بود. کیوان در جنگ آسیب می دید و یک پایش را از دست می داد. گره علاقه میان کیمیا و کیوان از فصل اول به نمایش درآمده بود و نشان می داد که چطور یک خانواده تلاش می کنند تا انسجام خود را حفظ کنند.

❖ پایتخت به روایت یک خواهر و برادر

سریال پایتخت با آن لهجه شیرینی که فهیمه و نقی داشتند، روایت



❖ دنیای شیرین یک خواهر

شیرین با بده بستان هایی که با برادرهایش داشت، جزو اولین قاب های خواهر و برادری تلویزیون بود. دنیای شیرین داستان دو خانواده بود که گوینده داستان، دختری به نام «شیرین» با بازی زهرا جواهری بود. او همراه با پدرش که یک گل فروش، مادرش که یک پرستار، دو برادر کوچک ترش که هرسه دانش آموز هستند در کنار دایی و پسر دایی شان در دو واحد مجزای یک آپارتمان زندگی می کردند.

آنها در هر قسمت با موضوع تازه ای درگیر می شدند. شیرین روزمرگی هایش را می نوشت و هر بار با یک چالش در روابط خانوادگی و مسائل پیرامونی خود روبه رو می شد و تلاش اش این بود که مشکل را حل کند.

❖ خواهر بودن به شیوه ستایش

ستایش با همه قصه های ادامه داری که در هر فصل داشت، باز هم بنای بخشی از روایت خود را بر یک قصه خواهر و برادری گذاشته بود. سریال ستایش، قصه دختر جوانی به نام ستایش بود که برای نجات برادرش از خطری که در پی فرار او از خدمت سربازی

